امکان جمع انشاء حکم و مدیریت امتثال در دلیل واحد

47:16

با این نگاه شما روایت را نگاه کنید. تمام روایاتی که می‌گویند باید بدانید کاری به انشاء حکم ندارند. من دو آیه را عرض می‌کنم. «يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيامُ كَما كُتِبَ عَلَى الَّذينَ مِن قَبْلِكُمْ[1]»، این آیه انشاء ثبوتی است یا مدیریت امتثال است؟ خیلی واضح است که ثبوتی است. «شَهْرُ رَمَضانَ الَّذي أُنْزِلَ فيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنّاسِ وَ بَيِّناتٍ مِنَ الْهُدى وَ الْفُرْقانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ»، این آیه ثبوتی است یا مدیریت امتثال است؟

شاگرد: مدیریت امتثال است. چون دارد زمان روزه گرفتن را می‌گوید و کاری به اصل وجوبش ندارد.

استاد: یعنی کاری ندارد که ماه مبارک موضوع وجوب شهر است؟!

شاگرد: زمان شرط وجوبش است.

استاد: بله، ما شواهد عدیده‌ای داریم که در یک دلیل شرعی بین هر دو جهت جمع می‌کند. یعنی هم از حکم ثبوتی اخبار می‌کند؛ دارد می‌گوید «شهر رمضان». نمی‌گوید «الشهر المعلوم». الآن اصلاً هیچ ناظری در این آیه نمی‌گوید که شهر رمضان حقیقت شرعیه است؛ یعنی شارع برای خودش غیر از عرف عام یک شهر رمضان دارد. نه، شهر رمضان موضوعی است که برای آن حکمی آمده است. حالا دنبالهٔ آن «وَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا حَتّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتِمُّوا الصِّيامَ إِلَى اللَّيْلِ»، این مدیریت امتثال است یا حکم ثبوتی است؟ من این را عرض می‌کنم روی آن تأمل کنید. چون محل اختلاف است بماند برای فردا. عرض من این است: در «یتبین لکم» خود عنوان «تبین» برای مدیریت امتثال است، اصلاً برای استحباب است. «كُلُوا وَ اشْرَبُوا حَتّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ»؛ مستحب لیل هستید؛ دلتان جمع باشد بخورید حتی یتبین. اما «یتبین لکم الخیط الابیض... من الفجر»، تا می‌فرمایی «فجر»، عقلاء ناظر در این کلام می‌بینند موضوعی که در عالم انشاء ثبوتی، روزه به آن بند است، طلوع فجر است. نه تبین طلوع فجر برای ما. یعنی یک آیه شریفه با یک کلمه «من الفجر» کاشفیت از انشاء ثبوتی می‌کند. فجر ثبوتا شروع روزه است. اما «یتبین لکم»، تبین فجر مصداق استحباب است. یعنی آن فجری که موضوع است شما در سعه هستید. از دو ساعت مانده به فجر واجب نیست که احتیاط کنید. بگویید ای وای می‌توانم بخورم؟! نه، مستحب هستید؛ راحت باشید؛ حتی یتبین. یعنی هم دارد استحباب را داد می‌دهد و هم می‌گوید که فجر موضوع است. این عرض من است. البته می‌دانید که در این اختلاف است. انشاءالله بقیه روایات را هم ببینید تا فردا.

شاگرد: روایت اول کافی را می‌توان با فرمایش آقای روحانی جمع کرد به این بیان که اگر بعدا برای ما علم پیدا شد... .

استاد: بعداً قاطع هستیم که در آن وقت واجب نبوده. چون منوط به علم بود. ایشان گفتند.

شاگرد: یعنی زمانیکه قاطع شدم بر من واجب میشود.

استاد: فرمایشتان باشد اینکه بعداً واجب میشود در آیندە میآید. بعداً چه معلوم میشود؟ معلوم میشود کە آن روز روزە واجب نبودە چون ما یقین نداشتیم.

شاگرد: وقتی فەمیدیم آن موقع تازە بر ما واجب میشود.

استاد: الآن صحبت سر این است شما کە میگویید میزان برای وجوب یقین است، منظور یقینی است کە الآن هم باشد یا یقین تقدیری است؟ یعنی الآن نیست و بعداً میآید.

شاگرد: لازمە فرمایش آقای روحانی دومی میشود.

استاد: یعنی اگر شما یقین دارید کە ماە نیست...

شاگرد: یقین ندارم کە ماە هست.

> 52:57

استاد: خب وقتی یقین ندارید وجوب هست یا نیست؟ قطعاً نیست یا احتمالاً نیست؟

شاگرد: قطعاً واجب نیست.

استاد: این از آن قطعی هایی است کە معلوم نیست. قطعاً وجوب بالفعل نیست یا ثبوتاً نیست؟

شاگرد: بالفعل نیست.

استاد: پس احتمال ثبوتی هست و در نتیجە استصحاب جا دارد. میگویید قطعاً نیست. یعنی ثبوتاً نیست؟ خب حرف ایشان است. اگر میگویید بالفعل نیست، خب چە کسی منکر آن است؟!

شاگرد: اگر بعداً کشف شود باید بگویند کە واجب هم نیست اما این را نمیگویند.

استاد: خب سؤال ما از آنها همین است. ما میگوییم شما چطور میگویید؟! آقای تهرانی در رسالە رؤیت هلال صریحاً گفتند حتی اگر امام معصوم صریحاً بگویند واجب نیست. بعداً هم کە معلوم شود واجب نیست. چون حکم نبودە. خب بعد میگویند کە قضا بکن. در اینجا میفرمایند اینجا دیگر حکومت است. طبق قاعدە واقعاً گفتند کە نباید قضا شود اما شارع دلیل خاص آوردە است.

والحمد للە رب العالمین

---

[1] البقرە ۱۸۳

بازبینی #1
ایجاد شدە 9 ژوئن 2026 14:47:17 توسط ... .

به روزرسانی شده 9 ژوئن 2026 14:48:56 توسط ... .